

حمایت از نهاد نمونه اشیای مفید به منظور تکمیل نظام حق اختراع

سعید حبیبی^{۱*}، حمیدرضا شاه بابای^۲

۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. کارشناس ارشد حقوق مالکیت فکری دانشگاه تهران، تهران، ایران

پذیرش: ۹۱/۹/۲۱

دریافت: ۹۱/۲/۱۶

چکیده

اصلاح و تکمیل قوانین نشان‌دهنده پویایی نظام حقوقی است. قانون حمایت از اختراعات ۱۳۸۶ بابت جدید در حمایت از مالکیت صنعتی گشود. با وجود گام‌های بسیار مثبتی که در تدوین این قانون برداشته شده است معایبی نیز وجود دارد که چشم‌پوشی و عدم رفع آن‌ها توسعه علمی کشور را دچار اختلال خواهد کرد. از جمله مهم‌ترین این کاستی‌ها عدم حمایت از اختراعات کوچک است. در این مقاله، ضمن تشریح این نقایص، نهادی تحت عنوان نظام مکمل پیشنهاد شده است که علاوه بر پوشش اختراعات کوچک دارای مزایای غیر قابل انکاری است که به تکمیل نظام حق اختراع و رفع نقایص نظام کنونی کمک خواهد کرد.

واژگان کلیدی: نهاد مکمل نمونه اشیای مفید، اختراعات کوچک، نظام حق اختراع

۱. مقدمه

بدون شک حمایت از مالکیت فکری و به طور خاص حقوق مالکیت صنعتی برای رسیدن به توسعه پایدار و گسترش ابداع و نوآوری امری اجتناب‌ناپذیر است. پیش‌بینی چنین

حمایتی رفتار متعادل و حساب شده مقنن را می‌طلبد. اولین قدم در مسیر طولانی توسعه کشور، شناخت دقیق و مبتنی بر واقعیت از شرایط کنونی خود و رقبا است. این شناخت که محدودیت‌ها و توانایی‌های کشور را مشخص می‌کند، مقنن را به سمت هدفگذاری متناسب، با اتکا بر استعدادهای بالقوه داخلی رهنمون می‌سازد. در تحقق این امر مهم، پیش‌بینی سازوکارهای دقیق حقوقی امری بس خطیر است که دقت و اهتمام مقنن را می‌طلبد تا با توجه به شناخت شرایط و اهداف پیش رو به تصویب یا اصلاح قوانین در این حوزه بپردازد.

حمایت از اختراعات نقش مؤثری در این میان ایفا می‌کند. امروزه میزان اختراعات را یکی از شاخص‌های توسعه کشورها می‌دانند. بنابراین، حمایت از آن‌ها می‌تواند در پیمودن مسیر توسعه، یاری‌رسان مخترعان باشد. برای سال‌های طولانی تنها مرجع برای حمایت از مالکیت صنعتی قانون قدیمی ۱۳۱۰ بود که لزوم تغییر و به روز رسانی آن بر کسی پوشیده نبود. در نهایت مقنن در سال ۱۳۸۶ آستین همت بالا زد و با تصویب قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم و نام‌های تجاری تحولی در حمایت از مالکیت صنعتی در کشور ایجاد کرد. این قانون که برای مدت پنج سال لازم الاجرا است با وجود نکات مثبت فراوان دارای ایراداتی است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به عدم توجه کافی به شرایط اقتصادی کشور، عدم حمایت از اختراعات کوچک و بی‌توجهی به سازوکار بازار اشاره کرد. برای جبران این کاستی‌ها در این نوشته مقنن را دعوت به پیش‌بینی نهادی خواهیم کرد^۱ که ضمن تکمیل نظام حق اختراع، گسترش ابداع و نوآوری را برای کشور به ارمغان می‌آورد.

اولین بار این نهاد در سال ۱۸۹۱ توسط قانونگذار آلمان شناسایی شد [۱، ص ۱]. این قانون که در واکنش به شرایط دشوار حق اختراع به تصویب رسید به منظور حمایت سریع و ارزان از ابداعاتی فنی به وجود آمد که علیرغم مفید بودن برای صنعت نمی‌توانستند از حمایت حق اختراع برخوردار شوند. این نهاد که مورد استقبال مخترعان

۱. در این نوشته منظور از نهاد مکمل، همان نهاد نمونه اشیای مفید است.

داخلی آلمان قرار گرفت نقش مؤثری در توسعه آلمان ایفا کرد. این تجربه موفق باعث شد تا ژاپن برای حمایت از مخترعان داخلی در مقابل انبوه اختراعات خارجی و از بین بردن فاصله فنی اختراعات داخلی با خارجی‌ها در سال ۱۹۰۵ به اقتباس این نهاد از آلمان بپردازد [۲، ص ۱۸۷]. این تجارب موفق موجب شد که این قوانین الهام بخش قانونگذاران کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهای در حال توسعه واقع شود. در سال‌های اخیر این نهاد با تغییر کاربری هدفی والاتر از پوشش حمایتی اختراعات کوچک را دنبال می‌کند و از سوی متخصصان مالکیت فکری به‌عنوان علاج درمان نظام شکست خورده اختراع، حتی در کشورهای پیشرفته‌ای مثل ایالات متحده پیشنهاد می‌شود [۳، ص ۲].

فرض ما این است که به منظور ایجاد نظام مالکیت صنعتی کارآمد و مبتنی بر شرایط کشور و با توجه به اسناد بالادستی، حمایت از چنین نهادی ضروری به نظر می‌رسد و کشور ما را در گام نهادن در مسیر توسعه یاری خواهد کرد.

برای بررسی این مسأله و ارزیابی صحت و سقم این فرضیه با روش تطبیقی به مطالعه تجارب سایر کشورها می‌پردازیم و از ابزار کتابخانه برای رسیدن به نتیجه استفاده خواهیم کرد. به همین منظور ابتدا در گفتار نخست نقایص و معایب نظام حق اختراع را بررسی می‌کنیم و سپس با تشریح مزایا و معایب نهاد مکمل اختراع برای رسیدن به توسعه علمی و تکمیل نظام حق اختراع مقنن را به پیش‌بینی چنین نهادی فرا می‌خوانیم.

۲. آسیب‌شناسی نظام حق اختراع

به نظر می‌رسد مقنن با تصویب قانون حمایت از اختراعات ۱۳۸۶ قدم در راه حمایت مؤثر از مالکیت صنعتی نهاده است. برای استمرار این حرکت و گام برداشتن صحیح در مسیری که نهایتاً ما را به مطلوب نهایی که همان توسعه اقتصادی و علمی است، هدایت کند، شناخت کاستی‌ها و آسیب‌های ناشی از قوانین جهت نوسازی نظام حمایتی ضروری به نظر می‌رسد و ترمیم آن‌ها می‌تواند نقش مؤثری در تسریع این جریان ایفا کند.

۱-۲. لزوم اصلاح رویکرد ناصواب به مالکیت فکری

در سال‌های اخیر توسعه نسبی علم و فناوری، ارتباط بیش از پیش با جهان سرمایه، تلاش اساتید و دانشگاہیان و عواملی از این دست باعث شد اهمیت مالکیت فکری قدری ملموس‌تر از گذشته احساس شود. از سوی دیگر، ایران به‌عنوان عضو ناظر در سازمان تجارت جهانی پذیرفته شده است و عضویت دائم در این سازمان را برای خود هدفگذاری کرده است. یکی از الزامات پیوستن به این سازمان، پذیرش موافقتنامه جنبه‌های تجاری مالکیت فکری معروف به تریپس است.^۱ به همین منظور قانون ثبت اختراعات سال ۱۳۸۶ با این رویکرد که برای قبول تریپس با مشکل حقوقی مواجه نباشیم و با پیش رو داشتن قانون مدل وایپو به تصویب رسید. در این وضعیت، ابتدا بحث‌های مربوط به مبانی پذیرش مالکیت فکری بین فقها و حقوقدانان مورد بررسی قرار گرفت. اما شاید نکته‌ای که در این میان مغفول واقع شد، عدم تفکیک بین حق پدیدآورندگان آثار فکری و حقوق مالکیت فکری تحقق یافته (به‌عنوان حقی اقتصادی اجتماعی) بود؛ به این معنا که اکثر فقها و حقوقدانان با تمسک به قواعدی مثل احترام به کار اشخاص، حقوق طبیعی و امثالهم به توجیه این حقوق پرداختند [۴]؛ غافل از این‌که چیزی که در حقوق مالکیت فکری تحقق یافته و امروزه مورد بحث متخصصان این حوزه قرار دارد بسیار فراتر از مباحثی همچون حقوق طبیعی است؛ چرا که اگر این حقوق به مثابه حقی طبیعی باشند محدودیت زمانی (۲۰ سال) و مکانی (قابل حمایت تنها در محل ثبت) را بر نمی‌تابند، چون از مهم‌ترین خصوصیات حقوق طبیعی، عدم محدودیت زمانی و مکانی آن‌ها است [۵، ص ۱۳۰].

به واقع در حالی که تضاد منافع کشورها حقوق مالکیت فکری را در تحولی عظیم از یک حق خصوصی صرف به یک حق اقتصادی اجتماعی که تابع مصالح و منافع هر کشور است تبدیل کرده بود [۶، ص ۲۰]، قانونگذار با کم‌توجهی به این تحول مهم و بدون در نظر گرفتن ملاحظات و منافع کشور در تصویب این مقررات، تنها به مطابقت با تریپس که اکثر تنظیم‌کنندگان آن کشورهای توسعه یافته بوده‌اند می‌اندیشید. برای نمونه

1. TRIPs Agreement (1994)

می‌توان به پیش‌بینی حداکثر مدت حمایت از طرح‌های صنعتی (۱۵ سال: ماده ۲۸، بند د) [۷] که حتی در تریپس هم مدت ۱۰ سال اجباری و ۱۵ سال اختیاری است اشاره کرد [۸]. متأسفانه قانونگذار به جای تفقه و تدقیق در تأثیر و تأثر این مقررات در اقتصاد و تعیین نقطه تعادل حق عمومی و حق پدیدآورندگان آثار در جهت تقویت ابداع و نوآوری، معاهده تریپس را نصب العین خود قرار داد.

نیاز به پیوستن و عضویت در سازمان تجارت جهانی بر کسی پوشیده نیست و تلاش قانونگذار در رعایت این مصلحت و مطابقت با این معاهده که امروزه به صورت یک هنجار بین‌المللی پذیرفته شده است اقدامی مثبت تلقی می‌شود، اما باید توجه داشت که امکان استفاده از انعطاف این معاهدات به منظور تصویب قوانینی که بدون نقض معاهدات بین‌المللی اهداف و منافع ملی، مانند توسعه پایدار را مدنظر داشته باشند وجود دارد. به بیانی دیگر باید در تصویب قانون مصالح و منافع ملی و اقتضائات اقتصادی را در اولویت قرار داد و با نگرشی ابزارانگارانه به مقوله مالکیت فکری پرداخت [۹، ص ۹] و از آن پلی برای پیشرفت و توسعه کشور و نردبانی برای رسیدن به بام‌های علم و فناوری بسازیم، نه این‌که به مشق قوانین دیکته شده از سوی دیگران که قطعاً به دنبال منافع خویش هستند بپردازیم.

۲-۲. عدم حمایت از اختراعات کوچک

یکی از نقایصی که در قانون ۱۳۸۶ وجود دارد عدم حمایت از اختراعات کوچک است. مطابق ماده ۲ این قانون، هر ابداعی برای دریافت حق اختراع باید دارای سه شرط جدید بودن، گام ابتکاری و کاربرد صنعتی باشد. حال اگر اختراعی ایجاد شد که شرایط جدید بودن و کاربرد صنعتی را دارا بود، ولی سطح کم‌تری از گام ابتکاری مورد نیاز را داشت با توجه به قانون از حمایت حق اختراع محروم می‌شود.

درخصوص معیار شناسایی شرط گام ابتکاری، اختلافاتی در رویه اجرایی کشورها (نه در قوانین) وجود دارد. معیار پیشرفت قابل توجه [۱۰، ص ۱۹۳؛ ۱۱، ص ۹۲] و داشتن

ارزش تجاری درخور توجه و یا رفع نیاز بلندمدت [۱۲، ص ۳۰؛ ۱۳، ص ۴۱۶] از جمله ملاک‌هایی است که برای تعیین گام ابتکاری شماره شده است. یکی از متداول‌ترین رویه‌ها بین کشورها این است که برای بررسی گام ابتکاری دو موقعیت در نظر گرفته می‌شود. ابتدا ادعاهایی که صاحب اختراع مطرح می‌کند و سپس آخرین دستاوردهای دانش موجود آن رشته از فناوری را باید به‌دقت بررسی کرد و سنجید چه چیزی در دانش سابق وجود نداشته که اختراع این بخش را ارتقا داده است و این ارتقا از منظر فرد با مهارت معمولی در آن شاخه از فناوری بدیهی و اشکار نباشد. مقنن در قانون سال ۸۶ نیز تلویحاً این معیار را در ماده ۲ پذیرفته است.

ماهوی‌ترین تفاوت بین اختراعات کوچک و اختراعات، تفاوت در میزان گام ابتکاری است [۱۴، ص ۳]. اما ترسیم مرزبندی دقیق گام ابتکاری میان اختراعات و نمونه اشیای مفید و ارائه معیار برای آن کاری بس دشوار است. برخی معتقدند که باید معیاری ارائه کنیم تا این حق قابلیت پیش‌بینی برای افراد را داشته باشد، ولی به دلیل ماهیت کیفی گام ابتکاری تعیین معیار عینی دشوار است [۱۵، ص ۲۸]. با وجود این، تجربه کشورهای که در حمایت از این نهاد پیش‌تاز بوده‌اند نشان می‌دهد که باید خود ابداع را در نظر گرفت و اگر آن ابداع، شرایطی را مثل تسهیل کاربرد یک محصول و یا یک مزیت فنی و کاربردی را ارائه دهد و مشکلی فنی را برطرف کند باید مشمول حمایت قرار بگیرد؛ حتی اگر این مزیت فنی و کاربردی از دید شخص با مهارت معمولی در آن حرفه قابل توجه نباشد. این تسهیل کاربرد یا مزیت فنی می‌تواند صرفه‌جویی در زمان، کار و انرژی را به همراه داشته باشد [۱۰، ص ۱۲۸].

مثلاً در پرونده‌ای که در کمیسیون حق اختراع اروپایی مطرح شد متقاضی ادعا می‌کرد که یک میله تراشنده (مته) ساخته که به علت تقویت و بهسازی با فایبر مشکل عدم انعطاف و شکننده بودن تراشنده‌های قبلی را برطرف کرده است. اما هیأت تجدیدنظر اروپایی با استناد به این‌که برای یک شخص ماهر در آن حرفه بدیهی است که تنها راه مقابله با این اشکال، استفاده از یک عنصر منعطف است و هر شخص ماهری می‌داند که

فایبر دارای این مزیت است، آن را دارای گام ابتکاری و شایسته دریافت حق اختراع ندانست [۱۶، ص ۴۵]. اما همین ابداع به علت حل یک مشکل فنی می‌تواند مستحق دریافت حق نمونه اشیای مفید باشد. اگر اختراعات راه‌حلی فنی برای مشکلات فنی هستند (ماده ۱) و موجب پیشرفت علمی می‌شوند و به دلیل در معرض تکثیر بودن باید مورد حمایت قانونی قرار بگیرند، چرا نباید از این اختراعات که تنها تفاوتشان سطح کم‌تر گام ابتکاری نسبت به اختراعات است، حمایت کرد؟ [۱۷، ص ۱۹۷].

۲-۳. عدم حمایت از طرح‌های کاربردی^۱

این نقص به علت عدم طراحی دقیق قانون ۱۳۸۶ در حمایت از مالکیت صنعتی و نشان‌دهنده عدم جامعیت این قانون است. در این قانون، سه شاخه اصلی مالکیت صنعتی (علائم تجاری، اختراع و طرح‌های صنعتی) پیش‌بینی شده است که حمایت از طرح‌های صنعتی از جمله نوآوری‌هایی است که در قانون ۱۳۱۰ وجود نداشت. با این حال، تفکیک بین شاخه‌های مختلف و عدم توجه به نسبت آن‌ها با یکدیگر طوری که مکمل هم باشند، سبب به وجود آمدن خلئی شده که عبارت است از عدم حمایت از طرح‌های کاربردی. با توجه به مواد ۱ و ۲ قانون ۱۳۸۶ حق اختراع به ابداعاتی اعطا می‌شود که شرایط ماهوی و شکلی این قانون را داشته باشند و بنابراین، این شاخه از مالکیت صنعتی تنها از ابداعات و راه‌حل‌های فنی برای رفع نیازهای فنی حمایت می‌کند. در بخش مربوط به طرح‌های صنعتی، قانونگذار بنا بر تعریفی که ماده ۲۰ ارائه داده است، حمایت قانونی از ترکیب و شکل ظاهری کالا را مورد توجه قرار داده است. نکته‌ای که درخور توجه است لزوم قابلیت پیاده‌سازی یک طرح بر روی یک کالای صنعتی است که این نهاد را از طرح‌های هنری مجزا می‌کند [۱۸، ص ۲۰۳]. در این میان طرح‌هایی وجود دارد که ابتکار آن مربوط به شکل ساختار و تزیینات روی کالا نیست، بلکه نوآوری آن درخصوص ویژگی‌های فنی است. به این مفهوم که این

1. Functional Design



طرح‌ها عملکرد فنی بهتری از کالا را ارائه می‌دهند [۱۹، ص ۳۸۳] اما به دلیل عدم جذابیت ظاهری قابل حمایت نیستند؛ چرا که در ذیل ماده ۲۰ قانون ۱۳۸۶ که اقتباسی نادرست از ذیل بند ۱ ماده ۲۵ تریپس است صریحاً این طرح‌ها از حمایت قانونی محروم شده‌اند؛ در حالی که از یک سو تریپس اعضا را در این استثنا مخیر گذاشته و از سوی دیگر، موضوعی که در این ماده از تریپس استثنا شده طرح‌هایی است که صرفاً ناشی از عملکرد یک کالا است، مثل طرح مربوط به دندانه‌های یک کلید که فقط به خاطر باز کردن یک قفل خاص طراحی شده‌اند و تنها جنبه عملی دارند؛ ولی در قانون ۱۳۸۶ به اشتباه طرح‌های کاربردی که دارای مزیت فنی هستند از حمایت محروم شده‌اند.

در اکثر کشورها این طرح‌ها یا از طریق قانونی خاص، مثل قانون طرح‌های کاربردی انگلیس و یا از طریق قانون نمونه اشیای مفید یا اختراعات کوچک حمایت می‌شوند [۱۹]. ظاهراً نزد مقنن ما ویژگی‌های بصری و ظاهری یک کالا مهم‌تر از جنبه‌های کاربردی یک طرح است که آن‌ها را به صراحت از حمایت محروم کرده است و طراحان را به سمت ابداع طرح‌های زیبا تا کاربردی سوق داده است.

۲-۴. حمایت یکسان از همه اختراعات

مقنن در ماده ۱۶ از قانون ۱۳۸۶ مدت حمایت از اختراعات را بیست سال اعلام کرده است و در ماده ۲ همین قانون منظور از صنعت را معنای گسترده آن در نظر گرفته است، البته به استثنای مواردی که در ماده ۴ ذکر شده است. بنابراین، هیچ تفاوت و رجحانی در حمایت از اختراعات وجود ندارد. ممکن است این رویه در بادی امر بسیار عادلانه به نظر برسد، اما با قدری تعمق در می‌یابیم که عدالت غیر از تساوی است. حمایت یکسان از همه اختراعات به معنای اجرای عدالت نیست. هرکس باید جزایی مطابق با عمل خویش دریافت کند تا عدالت برقرار شود. در بحث اختراعات مطالعات جدید ثابت کرده است که در نظر گرفتن مدت‌های حمایتی مختلف باعث بالا رفتن میزان بهره‌وری خواهد شد؛ چرا که محصولات و صنایع مختلف اقتضائات متفاوتی دارند [۲۰، ص ۳۴]. امروزه تفاوت در

هزینه‌ها، شرایط بازار، قابلیت دستیابی به دیگر انواع حمایت‌های قانونی، نظام حمایت با مدت واحد برای همه اختراعات را به چالش کشیده است.

مدت حمایتی از حق اختراع باید مبتنی بر اصل تعادل بین منافع و نیازهای جامعه و مبتکرین باشد [۲۱، ص ۳۴۵-۳۴۸]. این قیاس به منظور یافتن نقطه تعادل بین حقوق مصرف‌کننده و مبتکر است [۲۲، ص ۳]. در نظر گرفتن مدت خاص برای هر اختراعی به صورت مورد به مورد از لحاظ عملی امکان‌پذیر به نظر نمی‌رسد، ولی این نقطه تعادل در همه انواع اختراعات نیز یکسان نیست؛ زیرا برخی از اختراعات مانند اختراعات دارویی نیازمند صرف هزینه‌های زیاد و مدت‌های مدید کار تحقیقاتی است، ولی در برخی دیگر از شاخه‌های فناوری، مثل مکانیک هزینه و زمان به مراتب کم‌تری برای دستیابی به یک اختراع صرف می‌شود. همچنین عمر تجاری اختراعات نیز با یکدیگر متفاوت است. به همین دلیل برخی از مخترعان اسرار تجاری را برای حمایت طولانی‌تر بر می‌گزینند و گروهی دیگر قبل از اتمام مدت حق اختراع از تمدید آن صرف‌نظر می‌کنند.

پیش‌بینی یک نظام با مدت دو گانه حمایتی می‌تواند راهکاری باشد تا اختراعات با هزینه و پیچیدگی کم‌تر و عمر تجاری محدود با مدت کم‌تر پشتیبانی شود و مدت حمایت طولانی‌تر به اختراعات پیچیده‌تر و با عمر تجاری بالاتر اعطا شود.

۲-۵. عدم توجه به سازو کار بازار

دو شیوه حمایت از اختراع و مخترعان عبارتند از: شیوه پاداش و شیوه حق انحصاری [۲۳، ص ۵۸]. شیوه پاداش که بیش‌تر در کشورهای شوروی سابق مورد استفاده قرار گرفت [۲۴، ص ۱۹۵] به این روش عمل می‌کرد که دولت بعد از پدید آمدن یک اختراع در مقابل پرداخت پاداش، حق بهره‌برداری آن را کسب می‌کرد و اختراع در مالکیت عموم قرار می‌گرفت.

در جبهه مقابل شیوه پاداش، شیوه حق انحصاری قرار دارد. در این شیوه قوای حاکم نه‌تنها به مخترعان پاداش نمی‌دهد، بلکه با پیش‌بینی تشکیلات ثبتي و قانونگذاری و تعیین

شرایط حمایت در صورتی که یک ابداع شرایط ثبت به عنوان اختراع را داشته باشد در مقابل دریافت مبلغی از مخترع، اختراع او را ثبت می‌کند و حق انحصاری بهره‌برداری از اختراع به او اعطا می‌کند. با این روش دولت حق اختراع پدیدآورنده را به رسمیت می‌شناسد. بنابراین، بهره‌برداری از اختراع به عهده خود مخترع گذارده می‌شود و اختراعی موفق خواهد بود که از لحاظ تجاری سودآور باشد.

این دو شیوه هرکدام مزایا و معایبی دارد. اما مهم‌ترین دلیلی که منجر به غلبه شیوه حق انحصاری بر پاداش شد، عدم توانایی تشخیص اختراعات تجاری از غیرتجاری بود. چرا که دولت به خاطر عدم تبعیض بین اختراعات ناگزیر از پرداخت پاداش به همه اختراعات بود، بدون این‌که نسبت به امکان توفیق تجاری آن اختراع یقین حاصل کند.

از سوی دیگر چون مخترعان تنها هدف خود را برای بازگشت سرمایه و کار خویش، دریافت پاداش می‌دانستند به نیازهای بازار بی توجه بودند و تنها تلاش خود را معطوف به رعایت شرایط دریافت پاداش از دولت می‌کردند. با این روش، نه تنها اختراعاتی به وجود می‌آمد که نیاز جامعه و بازار را برای رفع مشکلات فنی حل نمی‌کرد، بلکه دولت مجبور بود به این اختراعات پاداش هم پرداخت کند. در واقع، این شیوه به طور سازمان یافته به تربیت مخترعانی می‌پرداخت که دغدغه رفع مشکلات فنی و تبدیل اختراع به ثروت را نداشتند [۲۵، ص ۵۲۷].

وضعیت کشور ما در این میان قدری پیچیده است. قانون حمایت از اختراعات ۱۳۸۶ شیوه حق انحصاری برای حمایت از اختراعات را برگزیده است؛ اما چه در رویه اجرایی چه در قوانین بالادستی دیگر به گونه‌ای رفتار شده است که بهره‌گیری از شیوه پاداش را به ذهن القا می‌کند. برای مثال در مواد ۱۷ و ۱۸ برنامه پنجم توسعه دولت موظف به حمایت مادی و معنوی از مبتکران و مخترعان شده است و به موجب بند «و» ماده ۱۸ [۲۶] می‌تواند به آن‌ها بورس تحصیلی و کمک مادی اعطا و به تجاری‌سازی اختراعات آن‌ها کمک کند. حمایت از مخترعان که یکی از اهداف کلاسیک حقوق مالکیت فکری نیز می‌باشد قاعده‌ای است که عقلاً بر درستی آن مهر تأیید خواهند زد؛ ولی مسأله اساسی،

اتخاذ شیوه صحیح حمایت از مخترعان است. نکته‌ای که ایجاد نگرانی می‌کند اتخاذ سیاست یک بام و دو هوا و خلق شیوه‌ای تلفیقی از سوی مقنن است. قانونگذار از یک سو با پیش‌بینی اعطای تسهیلات و پاداش، شیوه‌ای منسوخ را سرلوحه عمل خویش قرار داده و از سوی دیگر به مخترعان حق انحصاری اعطا کرده و مجدداً دولت را مکلف به کمک در تجاری‌سازی اختراعات می‌کند. در واقع با این روش، ابتدا اختراعاتی را که فقط به منظور دریافت تسهیلات و پاداش و بورس تحصیلی به وجود آمده با بی‌تدبیری ایجاد می‌کنیم و سپس دولت را مجبور به تجاری‌سازی اختراعاتی می‌کنیم که به واقع ارزش تجاری ندارند. شاید به همین دلیل در شق ۸ اقدامات ملی از بخش راهبرد کلان ۱ همین نقشه جامع به اصلاح و ترمیم و تکمیل نظام پشتیبان ثبت اختراع اشاره شده است [۲۷]. امروزه ما در کشور با انبوه اختراعات ثبت شده‌ای مواجه هستیم که فاقد قابلیت تجاری‌سازی به دلیل عدم توجه مخترعان به نیاز بازار هستند. قانون ۱۳۱۰ با توجه به این موضوع مهم در بند ۴ ماده ۳۷ امکان ابطال اختراعاتی که پنج سال از ثبت آن گذشته، ولی تجاری‌سازی نشده را فراهم کرده بود که متأسفانه این قاعده در قانون ۸۶ به دست فراموشی سپرده شد.

راه‌حلی که برای رفع این معضل پیشنهاد شده این است که داوری درخصوص توفیق تجاری محصولات ناشی از اختراعات را به بازار واگذار کنیم [۲۸، ص ۶]. ممتحنین نمی‌توانند درخصوص موفقیت تجاری یک محصول اظهارنظر قطعی کنند و تنها قادر به اظهارنظر فنی هستند. بنابراین، اگر یکی از اهداف حمایت از اختراعات رفع نیازهای مردم و بهبود زندگی بشر باشد نیکوتر آن است که برای اصابت این قاعده به واقعیت بررسی این مطلب را به بازار بسپاریم. نهاد نمونه‌اشیای مفید در کنار نظام حق اختراع با فراهم کردن بررسی شکلی (به همراه بررسی ماهوی حق اختراع) و اعطای سریع حق انحصاری معلق به اختراعات تا حدود زیادی این مشکل را رفع کرده است. به این ترتیب که با امکان ثبت همزمان تقاضانامه اختراع و نمونه اشیا، ابتدا به اختراع یک حق معلق با مدت محدود نمونه اشیا اعطا می‌شود و سپس اگر اختراع تبدیل به محصول شد و نیز



واجد شرایط ماهوی دریافت حق اختراع بود به آن حق اختراع ۲۰ ساله تعلق می‌گیرد. در غیر این صورت، نیاز به ابطال نداشته، تنها از همان مدت محدود نمونه اشیا استفاده می‌کند. بدین ترتیب هم فرایند تجاری‌سازی اختراعات سریع‌تر خواهد شد و هم به اختراعاتی که ارزش تجاری ندارند حق اختراع طولانی مدت اعطا نمی‌شود. در کشور لهستان مقنن با پیش‌بینی مقرره‌ای امکان ابطال حق انحصاری را در صورت عدم بهره‌برداری تجاری ظرف ۳ سال از دریافت حق انحصاری نمونه اشیای مفید فراهم کرده تا بیش از پیش بر لزوم تجاری‌سازی اختراعات تأکید کرده باشد [۲۹، ص ۴۶۲].

۳. الزامات حمایت از ابداعات کوچک

با توجه به مطالبی که در گفتار اول معروض شد و معایب غیرقابل انکار قانون حمایت از اختراعات ۱۳۸۶ لزوم اصلاح آن بیش از پیش آشکار می‌شود. بیش‌تر کشورهای در حال توسعه یا توسعه یافته، حقوق مالکیت فکری را به منظور تشویق ابداع و نوآوری ایجاد و از آن حمایت می‌کنند؛ اما بروز مشکلاتی از قبیل آن‌هایی که ذکر شد باعث شد که کشورها نظام حق اختراع را ناکارآمد و یا ناکافی دانسته، درصدد اصلاح آن برآیند [۳۰، ص ۲۹۸]. در اکثر کشورهایی که با چنین مشکلاتی مواجه بوده‌اند برای رفع این کاستی‌ها و تکمیل نظام حق اختراع، مجموعه قوانینی را با تعابیر متفاوت که شاید تعبیر نظام مکمل جامع تمام این تعابیر باشد به قانون حق اختراع خود ضمیمه کردند. تعابیری مثل نمونه اشیای مصرفی، اختراع کوتاه مدت، اختراعات کوچک [۳۱] و امثالهم، هرچند دارای برخی تفاوت‌های جزئی به تناسب شرایط کشورها هستند، ولی هدف از همه آن‌ها تکمیل نظام حق اختراع است [۱۰، ص ۱۲۶].

۳-۱. گستره موضوعی نظام مکمل

در نهاد نظام مکمل که امروزه در بیش از ۸۰ کشور دنیا وجود دارد [۳۲، ص ۸] از

ابداعات صنعتی حمایت می‌شود که به علت گام ابتکاری کمتر و فقدان ویژگی‌های ظاهری جذاب از طریق حق اختراع و طرح‌های صنعتی قابل حمایت نیستند.

از لحاظ تاریخی این نهاد موضوعی محدود به شکل‌های سه بعدی کاربردی و فنی داشت و به حوزه‌های الکترونیک، مکانیک و اپتیک محدود می‌شد [۱۷، ص ۱۲۶]. اما این مسأله که حمایت این نهاد باید محدود به فناوری‌های خاص باشد و یا گستره، موضوعی آن به مانند حق اختراع تمام صنایع و فناوری‌ها رادر بر بگیرد [۳۳، ص ۱۰]، موجب اختلاف در قوانین کشورها شده است و هر کدام از این دو رویکرد، مخالفین و موافقینی دارد که به اختصار نقطه نظر آن‌ها را بیان می‌کنیم.

قائلین به محدودیت موضوعی این‌گونه استدلال می‌کنند که چون مدت حمایتی در این نهاد محدودتر از حق اختراع ۲۰ ساله است، مدت کمتر متناسب با اختراعات و فناوری‌های بسیار پیچیده و با عمر تجاری طولانی نیست و حتی در صورت تسری موضوعی این نهاد به تمام سطوح فناوری، بین این نهاد و حق اختراع همپوشانی به وجود می‌آید [۱۱، ص ۹۳]. ضمن این‌که همان‌طور که در گفتار قبل گفته شد همه اختراعات با صرف هزینه و زمان یکسان به دست نمی‌آیند. بنابراین، چون در برخی از حوزه‌ها رسیدن به اختراع مستلزم صرف زمان و هزینه کمتری است بنابراین، مدت هم باید محدودتر باشد. استدلال دیگر این گروه این است که به دلیل کفایت بررسی شکلی در این نهاد برای برخورداری از حمایت و پیچیدگی فنی برخی از اختراعات، این نهاد قالب حمایتی مناسبی برای پوشش چنین اختراعاتی نخواهد بود.

حامیان نظر مخالف یعنی عدم محدودیت موضوعی این نهاد قائل بر این هستند که محدودیت موضوعی منجر به محرومیت اختراعات بزرگ و فناوری‌های پیچیده از مزایای این نهاد حمایتی خواهد شد؛ زیرا این نهاد با تکمیل حق اختراع فرایند اعطای حق را تسریع می‌کند که منجر به ورود سریع‌تر محصولات به بازار نسبت به حق اختراع می‌شود و در صورت محدودیت موضوعی اختراعات بزرگ از این مزیت محروم می‌شوند؛ ضمن این‌که این فرایند سریع اعطای حق منجر به جلوگیری از تکثیر غیر مجاز نیز می‌شود.

با توجه به این نظرها انتخاب یکی از این دو رویکرد نیاز به بررسی وضعیت اقتصادی و فرهنگ ابداع و نوآوری هر کشور دارد و در واقع، هر کشوری با توجه به اهداف و وضعیت موجود خود باید اقدام به سیاستگذاری در این حوزه و تعیین محدوده این نهاد کند [۳۴، ص ۴۱۰].

۲-۳. شرایط و حمایت سریع‌تر، ارزان‌تر و کوتاه‌تر در مقایسه با حق اختراع

فلسفه وجودی این نهاد تکمیل نظام حق اختراع است. بنابراین از لحاظ شرایط اثباتی تا حدی با حق اختراع تفاوت دارد که بتواند کاستی‌های آن را تحت پوشش قرار دهد [۳۵، ص ۱]. برای کسب این نهاد، ابداع باید دارای شرط جدید بودن باشد. یعنی ابداعی باشد که در دانش سابق بر ابداع، سابقه نداشته باشد و در واقع آخرین دستاورد بشر در آن حرفه محسوب شود [۳۶، ص ۴۰۸]. البته می‌توان جدید بودن را برخلاف حق اختراع به صورت نسبی در نظر گرفت.

یکی دیگر از شرایط برخورداری از حق انحصاری تحت پوشش این نهاد، داشتن کاربرد صنعتی است. ابداع باید قابلیت پیاده‌سازی بر روی یک کالا را داشته باشد تا بتواند مورد حمایت این نهاد واقع شود و سطح زندگی بشر را ارتقا بخشد. در غیر این صورت در مرحله ایده باقی خواهد ماند.

گفته شد که ابداعات تحت چتر حمایتی این نهاد در سطحی نیستند که بتوانند شرط گام ابتکاری اختراعات را برآورده سازند، ولی قابلیت و امتیازاتی فنی را دارا هستند که به راحتی نمی‌توان از آن گذشت. البته در این خصوص بین کشورهای مختلف تفاوت‌هایی وجود دارد؛ اما نقطه اشتراک این قوانین در این مطلب خلاصه می‌شود که ابداع برای برخورداری از حمایت تحت این نهاد باید شرایط ویژه‌ای را ارائه دهد که در دانش سابق وجود نداشته است، مثل تسهیل کاربرد یک وسیله و یا یک مزیت فنی یا صنعتی.

مهم‌ترین مزیت این نهاد فرایند سریع اعطای حق است که به علت بهره‌گیری از نظام

بررسی شکلی محقق شده است. در کشورهای اروپایی که ثبت اختراع بین ۲ تا ۴ سال به طول می‌انجامد، فرایند ثبت و اعطای حق در این نهاد به زمانی در حدود ۶ ماه نیاز دارد [۳۷، ص ۳]. بنابراین در قیاس با حق اختراع بسیار سریع‌تر است. دلیل این امر بهره‌گیری از بررسی شکلی به جای بررسی ماهوی است. نادیده گرفتن این مزیت و پیش‌بینی بررسی ماهوی برای این نهاد یقیناً موجب شکست خوردن این نهاد خواهد شد. این نهاد برای جبران کاستی‌های نظام حق اختراع با بررسی ماهوی به وجود آمده و حال اگر همان معایبی را که ناشی از بررسی ماهوی است در بر داشته باشد از رسیدن به هدف خود باز می‌ماند. در این خصوص تجربه ژاپن قابل توجه است؛ چرا که با تغییر قانون و لزوم بررسی ماهوی برای اعطای حق تحت این نهاد این کشور با کاهش بسیار چشمگیر تقاضانامه‌ها روبه‌رو شد و مجدداً با اصلاح قانون به بررسی شکلی روی آورد [۳۸، ص ۶۲].

ثبت سریع به تجاری‌سازی سریع محصولات و ورود اختراعات به بازار کمک می‌کند. این امر برای اختراعاتی که عمر تجاری محدودی دارند بسیار حائز اهمیت است؛ ضمن این‌که در بعضی از کشورها مثل آلمان با پیش‌بینی قاعده اعطای معلق، به اختراعات در حال بررسی نیز حق اختراع به صورت معلق اعطا می‌شود و بعد از احراز شرایط حق اختراع آن‌ها منجز می‌شود و به این وسیله به تجاری‌سازی و رقابت در بازار کمک می‌شود.

امتیاز دیگر این نهاد نسبت به اختراعات، ارزان بودن حمایت تحت این نهاد است. این ویژگی نیز به علت استفاده از بررسی شکلی است؛ زیرا این نوع بررسی مستلزم صرف زمان و کار کم‌تری از سوی مرجع ثبت است. بنابراین، هزینه دریافتی از متقاضی نیز کاهش می‌یابد. اگرچه در ایران هزینه‌های ثبت اختراع بالا نیست، ولی در صورتی که اختراعی ایرانی بخواهد در کشورهای دیگر به ثبت برسد اهمیت این موضوع مشخص خواهد شد. بنابراین، این نهاد می‌تواند گزینه مناسبی برای مخترعانی باشد که توانایی پرداخت هزینه‌های سنگین ثبت اختراع را ندارند. حمایت ارزان برای مخترعانی که به

صورت فردی دست به ابتکار می‌زنند و نیز شرکت‌های کوچک بسیار مناسب است؛ ضمن این‌که این نهاد با حمایت ارزان می‌تواند مورد استقبال اختراعات مشکوکی واقع شود که احتمال رد شدن آن‌ها وجود دارد، چرا که در صورت عدم پذیرش آن‌ها از سوی مرجع ثبت، هزینه کمتری را پرداخته‌اند [۳۹، ص ۱۳۶].

درخصوص حقوق مبتکر و استثنائات آن در این نهاد باید بگوییم که از این منظر هیچ تفاوتی میان این دو نهاد مالکیت صنعتی وجود ندارد و تنها مدت حمایت در این نهاد نسبت به حق اختراع کوتاه‌تر است. این امر مبتنی بر رعایت اصل تعادل میان منافع جامعه و مخترع است. یعنی به دلیل گام ابتکاری کمتری که این ابداعات نسبت به اختراعات دارند، شایسته حمایت کمتری هستند و این حمایت کمتر در مدت حمایت جلوه‌گر شده است. البته در این خصوص نیز رویه واحدی در بین کشورها وجود ندارد و هر کشور با توجه به منافع و مصالح خود اقدام به تعیین مدت می‌کند. برای مثال، مدت حمایت در استرالیا ۸ سال، در ژاپن، لهستان و کره جنوبی ۱۰ سال و در آلمان دو دوره ۳ ساله به علاوه دو دوره ۲ ساله است [۱۷، ص ۳۹۰].

بنابراین، این نهاد از ابداعات صنعتی که دارای ویژگی‌های فنی غیر قابل انکار هستند، ولی قادر به رعایت شرایط دشوار حق اختراع نیستند، با مدت محدودتری حمایت می‌کند.

۳-۳. تهییج ابتکار و حمایت از ابداعات داخلی

به زعم برخی از محققان، حمایت از این نهاد برای کشورهای در حال توسعه بسیار مفید خواهد بود. از منظر مالکیت فکری کشورها به دو دسته واردکننده و صادرکننده محصولات فکری تقسیم می‌شوند [۶۰، ص xii]. متأسفانه آمار و ارقام رسمی درخصوص وضعیت اختراعات و به طور کلی مالکیت فکری وجود ندارد. قدر مسلم، ایران کشور صادرکننده محصولات فکری نیست؛ یعنی نسبت صادرات به واردات در این حوزه قطعاً کمتر است. اگرچه بعد از تصویب قانون حمایت از اختراعات ۸۶ اقدامات بسیار خوبی صورت گرفته است، ولی هنوز ابتکار و نوآوری به فرهنگ عمومی کشور ما

تبدیل نشده است. با این شرایط نمی‌توان انتظار معجزه داشت و به یکباره سطح بالایی از ابتکار را برای دریافت حق اختراع در نظر گرفت؛ زیرا در این صورت مخترعان جوان با عدم پذیرش تقاضانامه‌های خود مواجه شده، احتمالاً در ابتدای راه احساس شکست و سرخوردگی خواهند کرد و از قدم نهادن در این مسیر صرف‌نظر خواهند کرد. از سوی دیگر حمایت از اختراعاتی که برخوردار از ابتکار سطح بالایی نباشند تحت قانون حق اختراع و اعطای حمایت ۲۰ ساله نیز قطعاً به نفع منافع عمومی نخواهد بود و موجب انحصار بیش از حد خواهد شد که این امر گسترش ابداع را با مشکل مواجه خواهد کرد؛ چرا که اصل، رقابت است و انحصار، امری استثنایی است. بنابراین، استفاده از نهاد مکمل اختراع که مستلزم سطح پایین‌تری از ابتکار و به نسبت مدت حمایتی کم‌تری است می‌تواند بذر امید را در دل مخترعان جوان کاشته و بارور کند.

شکاف فناوری میان کشورهای در حال توسعه‌ای همچون ایران با توسعه یافته‌ها بر کسی پوشیده نیست. قانون ۱۳۸۶ جدید بودن در مقیاس جهانی را ملاک حمایت از اختراعات قرار داده است. بنابراین، باتوجه به فاصله فنی این معیار سدی عظیم بر سر راه مخترعان است. حال اگر جدید بودن را به صورت نسبی در نظر بگیریم و به ابداعاتی که تا به حال در داخل مورد استفاده عملی قرار نگرفته، هرچند که در سطح بین‌المللی افشای کتبی یا شفاهی شده باشد، حمایت نهاد نمونه اشیا را اعطا کنیم، فرایند اقتباس فناوری با این حمایت تسهیل شده، مخترعان انگیزه بیشتری برای ارتقا فنی این ابداعات کسب می‌کنند؛ همان‌طور که تجربه کشورهای مختلف در حال توسعه ثابت کرده است که استفاده از نهاد مکمل بیشتر توسط مخترعان داخلی مورد استقبال قرار می‌گیرد و با استفاده از این نهاد مخترعان داخلی می‌توانند مزیتی رقابتی در مقابل مخترعان خارجی به دست آورند و فرایند اقتباس و بهبود فناوری را تسریع کنند. ارقام زیر گواهی متقن بر اثبات این ادعا است.



سال	اختراع داخلی	اختراع خارجی
۲۰۰۱	٪۱۰	٪۹۰
۲۰۰۰	٪۹	٪۹۱
۱۹۹۹	٪۱۰	٪۹۰

مقایسه اختراعات و نهاد مکمل داخلی و خارجی استرالیا [۳۴، ص ۱۰۲-۱۰۶]

سال	نهاد مکمل داخلی	نهاد مکمل خارجی
۲۰۰۱	٪۷۹	٪۲۱
۲۰۰۰	٪۸۱	٪۱۹
۱۹۹۹	٪۸۲	٪۱۸

مقایسه نهاد مکمل داخلی و خارجی در کره جنوبی [۳۸، ص ۱۰۲]

سال	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵
داخلی	٪۹۹	٪۹۸	٪۹۸	٪۹۸	٪۹۸
خارجی	٪۱	٪۲	٪۲	٪۲	٪۲

در آندونزی نیز این روند با درصد کمتری نسبت به کره در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ مشاهده شده است.

۳-۴. الزام بین‌المللی

ایران در سال ۱۳۳۷ به کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی تا اصلاحات لیسبون پیوسته است. در بند ۲ از ماده ۱ این معاهده نهاد نمونه اشیای مصرفی (یکی از

تعبیر نهاد مکمل) مورد حمایت قرار گرفته است. بنابراین کشور ما متعهد به ایجاد چنین حمایتی به موجب این معاهده است. متأسفانه در قانون ۱۳۸۶ با بی توجهی به این موضوع شاید به این علت که این نهاد در قانون مدل وایپو وجود ندارد (به علت مجزا بودن آن از حق اختراع)، تأسیس این نهاد مورد غفلت قانونگذار واقع شد. بنابراین چون در نظام حقوقی ایران هیچ نوع قانونی برای پوشش این الزام بین‌المللی وجود ندارد عملاً ابتکارات ساده و اختراعات کوچک در اداره مالکیت صنعتی ایران مانند برخی دیگر از کشورها که فاقد قوانین خاص برای حمایت از این نهاد هستند تحت عنوان اختراع ثبت می‌گردد [۴۱، ص ۱۲۴]. این راهکار که تنها برای درخواست خارجی‌ها کاربرد دارد کاملاً به ضرر منافع ملی و مخترعان داخلی است؛ چون با توجه به بررسی ماهوی و شرایط حق اختراع در قانون ۱۳۸۶ امکان ثبت اختراعات کوچک برای مخترعان داخلی وجود ندارد، ولی چون به موجب معاهده پاریس ما متعهد به شناسایی و حمایت از ابداعات خارجی با این نهاد هستیم از اختراعات کوچک آن‌ها که در کشور متبوع آن‌ها حدوداً ۱۰ سال مورد حمایت است ما با نهایت گشاده‌دستی حمایتی ۲۰ ساله را اعطا می‌کنیم.

از سوی دیگر همان‌طور که گفته شد ایران در آستانه الحاق به سازمان تجارت جهانی قرار دارد و یکی از پیش شرط‌های آن پذیرش تریپس است. هرچند برخی تصور می‌کنند که این نهاد در تریپس شناسایی نشده است [۴۲، ص ۳۹۶]؛ ولی باید از این پندار نادرست دیده شست، زیرا به موجب بند ۱ از ماده ۲ تریپس مواد ۱ تا ۱۲ کنوانسیون پاریس لازم‌الرعايه است و همان‌طور که اشاره شد یکی از موضوعات مورد حمایت در ماده ۱ کنوانسیون پاریس نهاد نمونه اشیای مفید است. بنابراین برای پذیرش تریپس نیز تدوین مقررات حمایتی از این نهاد لازم به نظر می‌رسد.

۴. نتیجه و پیشنهادها

دیدگاه منفعت‌گرایانه به حقوق مالکیت فکری و استفاده از آن در جهت پیشبرد منافع ملی، مقنن را به جای تقلید صرف و ترجمه قوانین نمونه از مجموعه قواعد مالکیت فکری به

سمت‌گزینش نهادهایی از این مجموعه سوق می‌دهد تا حداکثر منافع را نصیب کشور کند. به نظر نگارندگان با توجه به وضعیت کشور به‌عنوان کشوری در حال توسعه، نهاد نمونه اشیا می‌تواند یکی از خانه‌های پازل توسعه را تکمیل کند، اما برای این‌که این نهاد مثمر واقع شود رعایت نکات زیر به مقنن پیشنهاد می‌شود:

- گام ابتکاری: مقنن باید با توجه به معیارهایی چون تسهیل کاربرد محصول و یا ارائه مزیت فنی، سطح پایین‌تری از این شرط را در مقایسه با حق اختراع در نظر بگیرد تا ابداعاتی که مستحق حمایت حق اختراع نیستند از حمایت این نهاد برخوردار گردند و نیز از تبدیل این نهاد به نهادی موازی با حق اختراع جلوگیری شود.

- بررسی شکلی: برای اعطای حق تنها تطبیق و بررسی مدارک متقاضی با شرایط قانونی کفایت می‌کند. این نوع بررسی که از مهم‌ترین مزایای این نهاد است در راستای اغماض نسبت به شرط گام ابتکاری بوده، باعث تسریع جریان رسیدگی و اعطای حق می‌شود.

- امکان ثبت همزمان تقاضانامه حق اختراع و نمونه اشیای مفید: این مقرر این امکان را هم برای اداره مالکیت صنعتی فراهم می‌کند تا با دقت بیشتری به بررسی اختراعات بپردازد و هم به مخترع اجازه می‌دهد تا با سرعت بیشتری با توجه به دریافت حق معلق نمونه اشیای مفید به تجاری‌سازی محصول خویش اقدام کند.

جدید بودن: قانونگذار می‌تواند با پیش‌بینی جدید بودن نسبی (افشای کتبی و شفاهی جهانی و استفاده عملی داخلی) برای حمایت از این نهاد فرایند اقتباس و ارتقای فناوری را تسهیل کرده، گامی بلند برای حمایت از مخترعان داخلی بردارد.

- مدت: مدت حمایت باید میان حقوق جامعه و مبتکر تعادل برقرار کند و قطعاً از مدت حق اختراع کم‌تر باشد. به نظر می‌رسد مدتی در حدود ۷ تا ۱۰ سال به شرط تقسیم مدت به دوره‌های مختلف می‌تواند مناسب باشد.

در نهایت با توجه به کاستی‌های نظام حق اختراع و شرایط اقتصادی کشور جای خالی این نهاد در مجموعه قوانین مالکیت فکری ما به‌شدت احساس می‌شود و به نظر می‌رسد حمایت از این نهاد در کنار حق اختراع می‌تواند زمینه را برای دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان فراهم کند.

۵. منابع و مأخذ

- [1] Ricahards John, *Forms of Legal Protection for Technical Invention*, Juries Publication, Sweet & Maxwell, 2002.
- [2] Heath Christopher, *Intellectual Property in Asia*, Kluwer Law International, London, 2003.
- [3] karl F. Jorda, *Utility Models: The Panacea for our Broken Patent System*, Pierce Law, Winter/Spring 2007.
- [۴] حکمت نیا، محمود، *مبانی مالکیت فکری*، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، تهران، ۱۳۸۶.
- [۵] قاضی، سید ابوالفضل، *بایسته‌های حقوق اساسی*، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴.
- [۶] ایرانپورومعلی، «مبانی حقوق بر آفرینش‌های فکری»، *فصلنامه حقوق*، دوره ۲۰، ش ۸، زمستان ۱۳۸۹.
- [۷] قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم و نام تجاری مصوب ۱۳۸۶.
- [۸] موافقتنامه جنبه‌های تجاری مالکیت فکری ۱۹۹۴.
- [9] Philips & Alison Firth, *Introduction to Intellectual Property Law*, Butter Worth, London, 2001.
- [10] Cornish W. R. , *Intellectual Property*, Sweet & Maxwell, London, 1999 .
- [11] Van Caen Egem, William, *Intellectual Property Law and Innovation*, Cambridge, Melbourne, 2007 .
- [12] *Intellectual Property Law*, Route Ledge Cavendish Law Cards, London, 2008 .
- [13] Bain Bridge, David, *Intellectual Property*, Pearson Longman, London, 2009 .
- [14] Gonzalez, Inmaculada, “ Protection of Minor Invention in EU”, *New Castle Law School*, 30th, June 2008 .

- [15] Li Yo Ghong, "How to Define the Height of Inventiveness of Utility Model", *China Patent & Trade Mark*, No. 1, 2008 .
- [16] Cornish W. R. ,*Cases and Material on Intellectual Property*, Sweet & Maxwell, London, 1996 .
- [۱۷] حبیبیا، سعید، «ابعاد حقوقی نمونه اشیای مفید»، فصلنامه حقوق، دوره ۴۱، ش ۱، بهار ۹۰.
- [18] Baron, Paula, "Where Art Meets Science Beauty Meets Utility", *University of Tasmanian Law Review*, Vol. 18 No. 2, 1999 .
- [19] Suthersanen, Uma, *Design Law in Europe*, Sweet & Maxwell, London, 2000 .
- [20] Recommendations for a Patent System of the Future, *Report by a Working Group under the Danish Board of Technology*, 2005 .
- [21] Webber, David, "Intellectual Property-Challenges for the Future", *E. I. P. R*, No. 10, 2005 .
- [22] Calston Cotherine & Middleton Kirsty, *Modern Intellectual Property Law*, Cavendish, London, 2004 .
- [23] Posner, Richard, "Intellectual Property: the Law and Economics Approach", *Journal of Economic Perspectives*, Vol. 19, No. 2, Spring 2005
- [۲۴] شاول، استیون، مبانی تحلیل اقتصادی حقوق، ترجمه محسن اسماعیلی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۸.
- [25] Shavel Steven & Tanguy Van Ypersele, "Rewards Versus Intellectual Property Rights", *Journal of Law and Economics*, Vol. XLIV (October 2001) .
- [۲۶] ماده ۱۸ بند «و» قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹.
- [۲۷] سند نقشه جامع علمی کشور مصوب ۱۳۹۰.

- [28] Bartow Ann, “Separating Marketing Innovation from Actual Innovation”, *the Journal of Small & Emerging Business Law*, Vol. 4:1 .1999.
- [29] Ladas, Stephen, *International Protection of Industrial Property*, Harvard University Press, Cambridge, 1930, .
- [30] Cummings Peter, “From Germany To Australia: Opportunity for A Second Tier Patent System In The United States”, *Michigan State University Journal of International Law*, 2010 .
- [31] Garner, Brayan, *Black Law Dictionary*, West Group, USA, Utility Model, 2004
- [32] Harrison Robert,” The Patent and Petty Patent Divide: Best Buddies or Siamese Twins”, 2011, Electronic Copy Available at: <http://ssrn.com/abstract=1828582>
- [33] Kamil Idris,” Inventing the Future”, *WIPO Publication*, No.. 917, 2006 .
- [34] Suthersanen Uma& Graham M. Dutfield & Kitboey Chow, *Innovation without Patent*, 2007 .
- [35] Andrew F. Christie & Sara L. morits,” Australia Second Tier Patent System: A Preliminary Review”, *IPRIA*, Report No. 02/04, 2004 .
- [36] *Encyclopedia of IPR*, Patent System, Vol. 2, New Delhi, 2008 .
- [37] Consultations on the Impact of the Community Utility Model in Order to Update the Green Paper on the Protection of Utility Models in the Single Market (COM(95)370 final) .
- [38] Kardam. k. S. , “Utility Model –A Tool for Economic and Technological Development: A Case Study of Japan”, *WIPO*, 2007 .
- [39] Marett Paul, *Intellectual Property Law*, Sweet & Maxwell, London, 1996 .
- [40] Suthersanen Uma, “Utility Model and Innovation in Developing Countries”, *University of London*, 2006 .

- [۴۱] ميرحسينى، سيد حسن، مقدمه‌اى بر مالکيت معنوى، نشر ميزان، زمستان ۱۳۸۵.
[42] Ahmar-k-Al, " Intellectual Property in Yemen", *IIC*, Vol. 34, No. 4, 2003 .

